عکس ها : ایران

این‌ها کتابخوان‌ترین بچه‌های ایران هستند

یار مهربان کودکان پاکدشتی

یوسف حیدری
گزارش‌نویس

بچه‌ها یکی یکی از راه می‌رسند و در سایه دیوار مسجد می‌ایستند و چشم به انتهای جاده خاکی می‌دوزند و گاهی هم کتاب‌هایی را که در دست گرفته‌اند ورق می‌زنند. سعید بالای درخت می‌رود تا جاده را بهتر ببیند. همه منتظر یار مهربان هستند. سال‌هاست اهالی روستای جمال آباد صبح روز شنبه منتظر آمدنش هستند. فاطمه کتاب داستان را به رابعه نشان می‌دهد و می‌گوید داستان کتاب خیلی قشنگ بود، می‌خواهم بازهم کتاب داستان بردارم. بچه‌ها برای خودشان صف تشکیل می‌دهند و برای اینکه چه کسی زودتر از همه یارمهربان را ملاقات کند دعوا می‌گیرند. علی سعی می‌کند خودش را اول صف نگه دارد و اجازه نمی‌دهد کسی جلو برود. می‌گوید دفعه قبل نتوانسته بود کتاب‌هایی را که دوست دارد انتخاب کند.

گرد و خاک انتهای جاده خبر از نزدیک شدن « یار مهربان» می‌دهد. بچه‌ها با خوشحالی بالا و پایین می‌پرند و صف بهم می‌ریزد. اتوبوس یار مهربان با رنگ‌های سبز و آبی از دور پیدا می‌شود و کتابدار با خوشحالی برای بچه‌ها بوق می‌زند و چراغ را روشن خاموش می‌کند. اتوبوس که جلوی مسجد ترمز می‌کند بچه‌ها می‌دوند. آقای کتابدار در را باز می‌کند و بچه‌ها به سرعت بالا می‌روند. حسین زودتر از همه خودش را به قفسه کتاب‌ها می‌رساند و آنها را یکی یکی برمی‌دارد و نگاه می‌کند.

«بچه‌ها همه این کتاب‌ها برای شماست. هر چقدر کتاب بخواهید هست، عجله نکنید.» منوچهر بزرگر ۱۵ سال است که سوار بر اتوبوس یار مهربان هر روز میهمان یکی از روستاهای پاکدشت است. اهالی روستا او را بخوبی می‌شناسند و رسم میهمان نوازی را بخوبی به جا می‌آورند. حالا اتوبوس یار مهربان وارد روستای جمال آباد شده و بچه‌ها هرکدام چند جلد کتاب دست گرفته و با شوق و ذوق آنها را ورق می‌زنند. مهناز سراغ کتاب‌های کنکور را می‌گیرد. منوچهر از پشت صندلی اتوبوس، بسته کتاب‌ها را به دستش می‌دهد و می‌گوید: «این هم سفارش شما، رفتم تهران و خریدم. امیدوارم مثل مریم رتبه‌ات تک رقمی شود.»

رو به من می‌گوید: « در روستاهای پاکدشت از پارک و زمین بازی خبری نیست. تفریح این بچه‌ها همین کتاب‌هایی است که هفته‌ای یک روز با این اتوبوس برای‌شان می‌آوریم. ذوق و شوق این بچه‌ها وقتی ساعت‌ها منتظر آمدن ما هستند دیدنی است.» او سال هاست که مسئولیت کتابخانه سیار یار مهربان پاکدشت را برعهده دارد و بهترین لحظه‌های زندگی‌اش در روستاهای این شهرستان رقم خورده است: «اتوبوس یار مهربان سال ۸۶ راه‌اندازی شد و آن روزها شهرداری، وزارت ارشاد و نهاد کتابخانه‌های عمومی متولی شدند. سال‌های بعد کتابخانه‌های سیار به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور سپرده شد. من هم ۱۵سال قبل مسئول کتابخانه سیار یارمهربان این شهرستان شدم و هنوز هم به شوق دیدن بچه‌ها هر روز به روستاهای محروم منطقه می‌روم. بعد از فارغ‌التحصیلی دبیری در مقطع کارشناسی ارشد در رشته کتابداری ادامه تحصیل دادم و از روزی که نهاد کتابخانه‌های عمومی متولی کتابخانه‌های سیار کشور شد مشغول کار شدم.

کارکردن در کتابخانه سیار عشق خاصی می‌خواهد. وقتی در سرما و گرما به روستایی می‌روی که بچه‌ها از ساعت‌ها قبل منتظر ایستاده‌اند، برای رفتن دوباره به این روستاها لحظه شماری می‌کنی. در این مدت چند بار کتابخانه سیار ما به‌عنوان یکی از ۵ کتابخانه برتر سیار کشور انتخاب شد و من هم دو بار به‌عنوان مسئول نمونه کتابخانه سیار معرفی شدم. بعضی از این روستاها پارک یا وسیله بازی ندارند و تنها سرگرمی بچه‌های روستا همین کتاب‌هایی است که برای آنها می‌آوریم. تعدادی از روستاها را خودم رفتم و با شناسایی بچه‌ها آنها را هم عضو کتابخانه یار مهربان کردم، البته هدف فقط دادن کتاب نیست و برای بچه‌ها کلاس‌های آموزشی و سرگرمی هم برگزار می‌کنیم. باور کنید روز اول که مشغول این کار شدم حقوقم ۶۰ هزار تومان بود و بیمه هم نداشتم. هر روز به دو روستا سر می‌زنیم و در مجموع هر هفته به ۱۳ روستای پاکدشت می‌رویم. اتوبوس یار مهربان با ۱۲ هزار جلد کتاب تجهیز شده که ۲ هزار جلد آن برای کودکان است. بعد از ۱۵ سالی که این اتوبوس جاده‌های روستایی پاکدشت را بالا و پایین کرده این روزها آماده رفتن به تعمیرگاه است و تعمیر اساسی نیاز دارد. تا چندی قبل یکی از راننده‌های شرکت واحد، رانندگی کتابخانه سیار را برعهده داشت و نمی‌توانست در توزیع کتاب و ثبت آنها کمک کند. بعد از بازنشستگی راننده امید قاسمی یکی از کتابداران خوب، همکارم شد و در کنار رانندگی اتوبوس در کارهای کتابخانه هم مشارکت می‌کند.» صدای بوق اتوبوس یار مهربان که به صدا در می‌آید بچه‌های کلاس پنجم با خوشحالی کتاب فارسی به دست وارد حیاط می‌شوند. بچه‌ها با خانم معلم وارد اتوبوس می‌شوند و مثل همیشه کلاس فارسی و قصه خوانی در اتوبوس برگزار می‌شود. این بار زهرا خلاصه کتابی را که هفته قبل خوانده برای بچه‌ها تعریف می‌کند.

مریم کردبچه معلم پایه پنجم ابتدایی مدرسه روستای ارمبویه چند سالی است کلاس فارسی را در اتوبوس یار مهربان برگزار می‌کند. می‌گوید: «سال ۹۳ با کتابخانه سیار آشنا شدم. اتوبوس مقابل مدرسه ما توقف می‌کند تا برای روشن کردن کامپیوتر از برق مدرسه استفاده کند. وقتی استقبال بچه‌ها را دیدم تصمیم گرفتم کلاس فارسی و کتابخوانی را داخل اتوبوس برگزار کنم. شنبه‌ها کلاس توی اتوبوس برپا می‌شود و چند نفر از بچه‌ها خلاصه کتاب‌هایی را که هفته گذشته امانت گرفته‌اند برای بقیه تعریف می‌کنند. تأثیر کتابخوانی را بخوبی می‌توان متوجه شد. دایره لغات و اطلاعات عمومی بچه‌ها کاملاً محسوس افزایش پیدا می‌کند.»

فرانک ۱۲ سال دارد و از ۶ سالگی عضو کتابخانه سیار یار مهربان است. می‌گوید بچه‌های روستای شهرک انقلاب سه‌شنبه‌ها جلوی مسجد امام سجاد(ع) جمع می‌شوند و چشم به جاده می‌دوزند: «یک بار وقتی با دوستم برای خرید به مغازه روستا رفته بودیم کتابخانه سیار را دیدم. دوست داشتم داخل آن را هم ببینم. کتابدار مهربان چند جلد کتاب قصه به ما داد و هفته بعد با مادرم عضو کتابخانه شدیم. هر هفته وقتی اتوبوس یار مهربان به روستای ما می‌آید ۵ کتاب رمان و علمی امانت می‌گیرم و تا هفته بعد همه آنها را می‌خوانم. خیلی کتاب می‌خوانم و آخرین آن هم کتاب «خیالت تخت من بچه شرم» نوشته پیت جانسون بود. روستای ما خشک‌ترین روستای کشور است. اینجا حتی برف و باران هم نمی‌آید و جایی هم برای تفریح نداریم و تنها تفریح ما کتاب است. مدرسه ما کتابخانه دارد ولی کتاب‌هایی که من دوست دارم ندارد و از آن بدتر اینکه فقط یک کتاب می‌توانیم امانت بگیریم.»

بچه‌ها با کتاب‌هایی که امانت می‌گیرند از اتوبوس پایین می‌آیند و راهی خانه‌هایشان می‌شوند. کتاب‌های زیادی روی میز و کف اتوبوس رها شده و کتابدار مشغول مرتب کردن آنها می‌شود. منوچهر کتاب‌ها را داخل قفسه می‌چیند و می‌گوید: «بچه‌ها آزاد هستند قفسه کتاب‌ها را زیر و رو کنند و کتابی را که دوست دارند انتخاب کنند. مرتب کردن این کتاب‌ها زمان زیادی نمی‌برد. برای همین دوست دارم بچه‌ها آزاد باشند. گاهی اوقات بچه‌ها سر یک کتاب باهم دعوا می‌کنند و مجبورم مداخله کنم و برای‌شان زمان مشخص کنم، البته فقط بچه‌ها عضو این کتابخانه نیستند و خیلی از اهالی این روستاها که اهل مطالعه هستند از کتابخانه سیار کتاب امانت می‌گیرند. ۱۰ سال قبل در یکی از روستاها وقتی مشغول چیدن کتاب‌ها داخل قفسه بودم زن جوانی وارد اتوبوس شد و درحالی که خجالت می‌کشید گفت با همسرم مشکل دارم؛ پرخاشگر و شکاک است و نمی‌دانم چه رفتاری با او داشته باشم. شما کتاب روانشناسی که به من کمک کند دارید؟ یکی از کتاب‌های روانشناسی را که درباره کنترل خشم بود به او دادم. همین کتاب زندگی او را نجات داد. هرسال برای قدردانی از ما انار می‌آورد. چند هفته قبل هم دخترش را به خانه بخت فرستاد. باور کنید مردم این مناطق عاشق کتاب هستند و یک کتاب می‌تواند مسیر زندگی خیلی از این بچه‌ها را عوض کند.»

جـــدول سـودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۹۱۹

آسان

۸				۳				۵
۶		۳			۹	۷	۱	۸
	۷	۵	۱	۶				
		۲	۳	۸			۷	
	۵						۳	
	۳			۱	۴	۵		
				۷	۶	۳	۸	
۳	۸	۷	۲			۴		۶
۱				۴				۷

متوسط

	۱	۶	۷					
			۴	۵		۱		۹
			۳			۴	۸	
							۹	۳
۹	۶						۴	۵
۲	۴							
	۳	۹			۲			
۶		۵		۳	۴			
					۷	۳	۶	

سخت

		۳				۵		
۴				۷	۵			۹
	۵				۸		۲	۴
			۷	۴			۶	
				۹				
	۶			۱	۲			
۶	۳		۴				۹	
۹			۳	۸				۲
		۴				۱		

خیلی سخت

۳					۵			۲
						۱		
۹	۲				۸		۵	۶
		۶	۷	۸				۱
۸				۱	۴	۷		
۶	۳		۸				۲	۵
		۸						
۱			۵					۳

حل جدول سودوکو شماره ۳۹۱۹

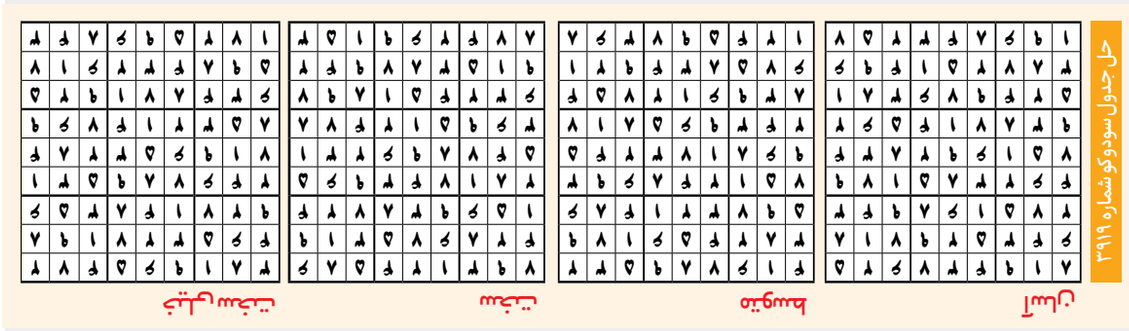

یک جـدول با دو شـرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۸۸۸

جدول عـادی

افقی:

۱- خودرو- ویژگی کسی که امکان خطا و اشتباه دارد
۲- بلندی قدر- پادشاه ساسانی- جلب کننده، دل انگیز
۳- حیا- تفریق- شهر پرتقال در استان فارس
۴- شهری در «پاکستان»- صوت دهن کجی- آزردگی
۵- تکان خوردن- ورزشگاه اهواز- خویشاوندی- همسرایی
۶- ردیف- یکی از جزایر «اندونزی»- مخفیانه
۷- صوت شیوا- باطل شده- کم
۸- از مناصب خطیر کشوری- LCD لمسی- بعضی اوقات
۹- بارکش شهری- صاحب الفیل- شهر خروس جنگی
۱۰- پیش نام مردان- جوانمردی- مقابل زرنگ!
۱۱- عریان- معیار- ازدحام- کم رنگ
۱۲- بی حرکت- نفس چاق- پیرامون
۱۳- محل کارکارمندان- سالن قطار- اخبار انگلیسی
۱۴- رزق- دستور کار- پسوند مکان
۱۵- نویسنده بلندآوازه ترکیه‌ای- جنگ، مبارزه

عمودی:

۱- درمان- ورزش مفرح
۲- واجب کردن- دوستی- تجویز پزشک
۳- پوسته‌هایی در موی سر- جسم هادی الکتریسیته- سازگاری
۴- استاد مسلم سمفونی- مریم فرنگی!
۵- ساز قلمی- لباس- میدان شهری
۶- نالیدن- پهلوان- گازی قابل اشتعال- دفاع فوتبال
۷- فراق- لپ تاپ قابل حمل- پف کردگی
۸- نوشته تبلیغاتی- بی باکی- اسم دخترانه به معنی نفس و پناه
۹- همان یورش- کشتی جنگی سبک و کوچک- خلیج ببرها!
۱۰- با «خورد» آید- نفوذ کردن- میهمانخانه- اثر رطوبت
۱۱- چربی و پیه- دستگاهی در موسیقی- قرص
۱۲- یکدندگی- مردم روشندل و روشن ضمیر
۱۳- تحریک پوستی- کشوری در قاره سیاه- خطر کردن
۱۴- مدال قهرمانی- کار و عمل- پشت سر
۱۵- درآمد کارمندی- فیلمی به کارگردانی کاظم دانشی محصول سال ۱۴۰۰ (بزودی اکران می‌شود)

جدول ویـژه

افقی:

۱- مفهومی در ادیان هندی تبار به معنای نظام گیتی- فیزیکدان هلندی برنده نوبل ۱۹۹۹
۲- درمانگاه- کمک کننده- اندیشه
۳- روز ۲۵ ماه شمسی- فراوان- قضاوت ورزشی
۴- ابزار قصابی- ضمیر خودخواه- ناهنجاری کروموزومی
۵- مارکی برلوازم خانگی- بویایی- ورزش توپ و راکت- گربه انگلیسی
۶- سنگ انداز- شیوا- نغمه
۷- ناراحت نیست- قابل خواندن- کوبیدن و نرم کردن
۸- تصدیق بی ادب- ماتم- الهه دریا
۹- صلح، آشتی- پراکنده- امر به گشودن
۱۰- دیرین- با وامق از عشاق ادب پارسی هستند- ریسیدن پنبه
۱۱- جوال- زادبوم- فرشته شب اول قبر- کله
۱۲- آموزگار خاموش- صدای پنچری- شهری در استان فارس
۱۳- کمال- دارای لقب- بزرگان و پیشوایان
۱۴- پدر- قسمت اول شاهنامه- پارچه‌ای از پشم
۱۵- سایکوز- مایه

عمودی:

۱- ترمومتر- پلکان متحرک
۲- پیرامون- گواهان- آیینه مقعر
۳- شهر مهم «مراکش»- دزد- متاع
۴- در کنار هم- شهرنشین
۵- حرف خطاب- مطیع- زن و فرزندان
۶- زیاده‌خواهی- از ابزار نجاری- آیین، کیش- نشانه اسم مصدر
۷- تاوان- ژانری هنری- قرمز مایل به طلایی
۸- نوعی داستان- پایبند به پیمان- جزئی از دوربین
۹- قطب مثبت جریان برق- ضربه با انگشت- سوغات بوشهر
۱۰- رفوزه شده- کرم کدو- سده- ویتامین مغز بادام
۱۱- حسرت، حیف- ساختار- چهره
۱۲- میکروب کزاز- حجار
۱۳- فراوانی- گیاهی خوشبو- گلی زینتی
۱۴- اندیشه و سگال- براندازی و شورش- ظروف غذاخوری
۱۵- فیلم «لوئیس بونوئل»- اثری از «کارل چاپک»

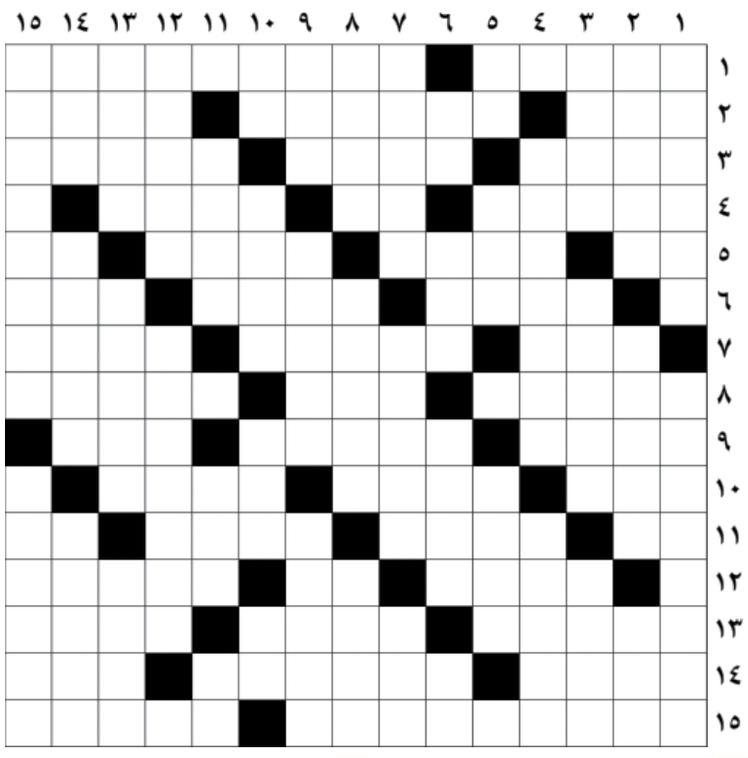

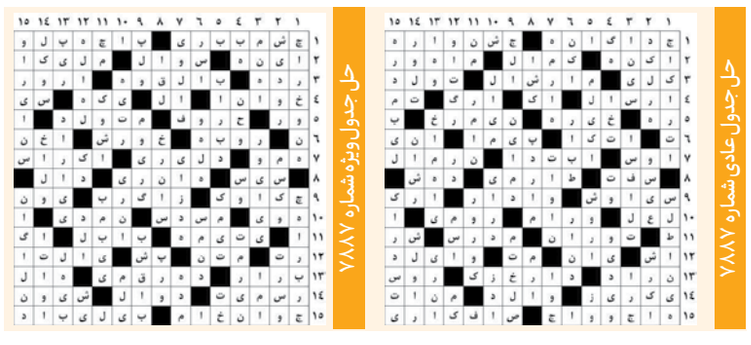

حل جدول عادی شماره ۷۸۸۷

حل جدول ویژه شماره ۷۸۸۷